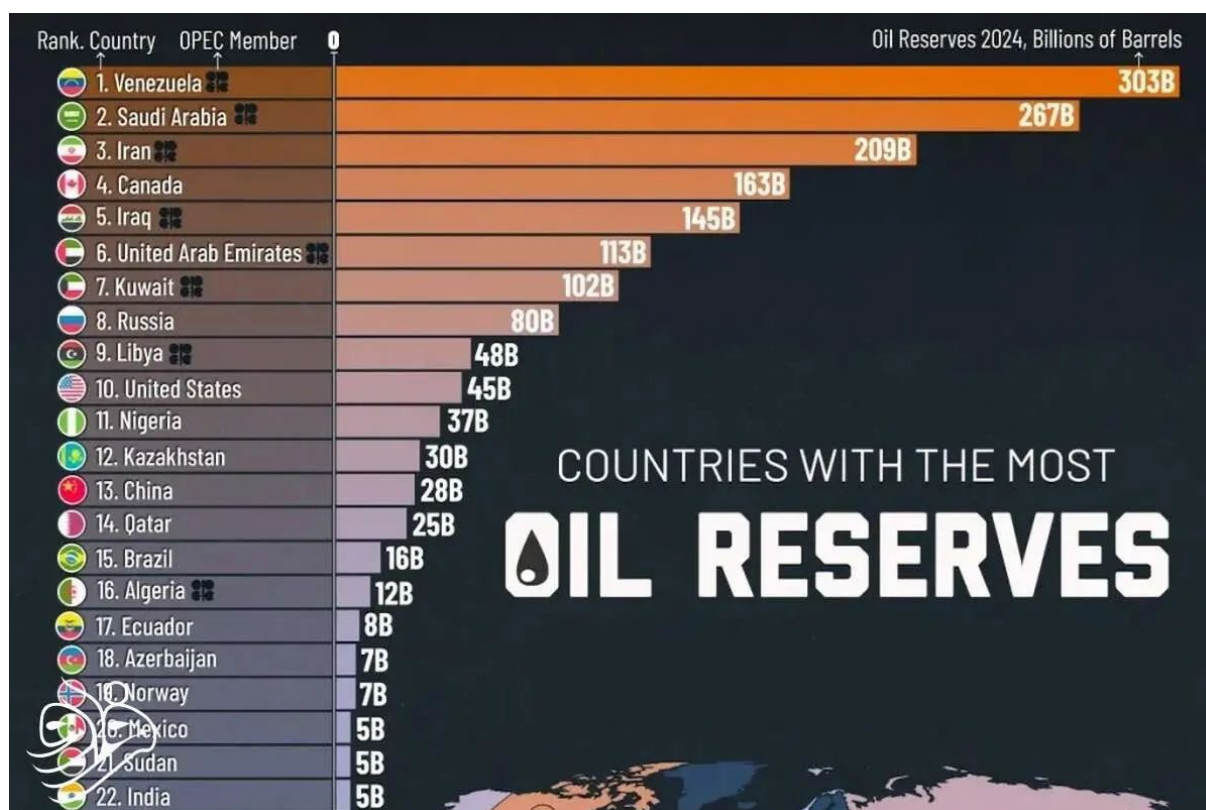




تصاحب نفت ونزوئلا به مدت صد سال توسط آمریکا

با تحمیل یک قرارداد نو استعماری

۱۵ شهریور (۶ سپتامبر) بهزاد مالکی

از ادعای «حمایت از دموکراسی و گذار از دیکتاتوری» تا «تسلط بر منابع نفتی» در ونزوئلا

«تجارت باید تحت حمایت و عنایت سلاح های خودتان هدایت و حفظ شود. تجارت بدون جنگ، و جنگ بدون تجارت پایدار نمی ماند. زمانه کنونی از شما میخواهد که تجارت عمومی تان را با شمشیری در دست مدیریت کنید.»

این سخن معروف **یان پیترزون کوئن** (Jan Pieterszoon Coen) چهارمین فرماندار «کمپانی هند شرقی هلند (VOC)» معروف به «قصاب باندا» در یکی از نامه های رسمی او به هیئت مدیره کمپانی هند شرقی هلند موسوم به «۱۷ مدیر» یا (Heeren XVII) نقل شده است. این جمله به عنوان یکی از شاخص ترین نمادهای سیاست **دیپلماسی ناوهای توپدار** *Gunboat Diplomacy* است و به پیوند تجارت و قدرت نظامی در دوره استعمار اشاره می کند.

در سال ۱۷۵۷ کمپانی هند شرقی بریتانیا با نیروهای فرانسوی وارد جنگ شد و قلعه «چاندانگار» در ایالت بنگال را به تصرف درآورد. در این نبرد، چندصد نفر کشته و هزاران تن زخمی شدند. زمانی که خبر این تصرف به لندن رسید، سهام این شرکت در بورس لندن ۱۲ درصد رشد کرد. این واقعه دوران استعماری بعد ها در تمام دوران استعمار و امپریالیسم تکرار شده است. جنگ های استعماری و امپریالیستی در خدمت و در پیوندی ارگانیک با تجارت و سرمایه قرار دارند. توافق نفتی میان دولت دونالد ترامپ و حکومت دست نشانده دلسی رودریگز، که از آن به عنوان «بزرگترین

معامله نفتی تاریخ» یاد می‌شود نیز از این قاعده مستثنی نیست. ترامپ اظهار داشت که از طریق این توافق، ایالات متحده «بدون هیچ هزینه‌ای برای مالیات‌دهندگان آمریکایی» کنترل اکثریت بیش از ۶۵ میلیارد بشکه از ذخایر اثبات‌شده نفت خام ونزوئلا را در اختیار خواهد گرفت. رافائل رامیرس، رئیس پیشین شرکت دولتی نفت ونزوئلا و وزیر نفت در بخش عمده دوران ریاست‌جمهوری هوگو چاوز، گفت این توافق به عنوان «نمونه‌ای از واگذاری منافع ملی و گشودن درها به روی استعمار نوین آمریکا» در تاریخ ثبت خواهد شد. او در شبکه ایکس نوشت: «توافقی که پشت سر مردم کشور و در بی‌خبری آن‌ها منعقد شده، آشکارا مغایر قانون اساسی است و کنترل سرزمین و منابع نفتی را به یک قدرت خارجی واگذار می‌کند.»

بعد از ربودن مادورو رئیس‌جمهور قانونی ونزوئلا، دولت آمریکا قراردادی با دولت موقت رودریگز امضا کرد. (در حال حاضر، **دلسی رودریگز** به عنوان چهره اصلی دولت موقت شناخته می‌شود، اما قدرت واقعی در دست شورایی است که توسط فرماندهان نظامی سابق که به مادورو پشت کردند - و مشاوران آمریکایی هدایت می‌شود). در آن قرارداد، دسترسی انحصاری آمریکا بر نفت ونزوئلا تضمین شده بود. این تصاحب نفت در پی یک حادثه تاریخی رخ داد. عملیات «عزم مطلق» Operation Absolute Resolve در تاریخ ۳ ژانویه ۲۰۲۶، نیروهای ویژه ایالات متحده در یک عملیات نظامی گسترده در کاراکاس، نیکولاس مادورو و همسرش سیلیا فلورس را دستگیر و به نیویورک منتقل کردند.

مادورو در حال حاضر در دادگاه‌های آمریکا با اتهاماتی نظیر "تروریسم مواد مخدر" Narco-terrorism و "قاچاق کوکائین" روبرو است. دونالد ترامپ روز سه‌شنبه (۱۶ دی ۱۴۰۴ / ۶ ژانویه ۲۰۲۶) در حساب خود در شبکه اجتماعی «تروث سوشال (Truth Social) این بیانیه را منتشر کرد: «با خرسندی اعلام می‌کنم که مقامات موقت در ونزوئلا موافقت کرده‌اند بین ۳۰ تا ۵۰ میلیون بشکه نفت باکیفیت، مشمول تحریم را به ایالات متحده آمریکا تحویل دهند.» نکته جنجالی این بیانیه در این است که ترامپ اصرار داشت که بگوید در آمد حاصل از فروش این نفت مستقیماً **تحت کنترل او (ریاست جمهوری آمریکا)** می باشد تا به گفته وی «اطمینان حاصل شود که صرف منافع مردم دو کشور می‌شود.»

پیش از این، خبرگزاری گزاینفورم گزارش داده بود که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا قصد دارد از نفت ونزوئلا برای پر کردن مجدد «ذخایر استراتژیک نفت» استفاده کند. روسیه این اقدام را «راهزنی دریایی در روز روشن» خواند. چین نیز که میلیارد‌ها دلار در صنعت نفت ونزوئلا سرمایه‌گذاری کرده و طلبکار اصلی این کشور است، اعلام کرد که هرگونه توافقی بدون در نظر گرفتن حقوق طلبکاران غیرقانونی است. کشورهای اروپایی در حالتی از سردرگمی به سر می‌برند. آن‌ها از سقوط مادورو خوشحالند اما از نحوه تسلط مستقیم ترامپ بر درآمدهای نفتی ونزوئلا ابراز نگرانی می‌کنند و خواستار تشکیل یک صندوق بین‌المللی تحت نظارت سازمان ملل هستند. باز بودن میدان غارت نفتی بدون مقاومت، اشتباهی چپاولگران آمریکایی را به بستن قرار داد جدیدی تحریک کرد که یکسره کار تصاحب نفت ونزوئلا را تمام کنند. ترامپ بارها تمایل خود را به تصاحب نفت ونزوئلا و این اواخر نفت ایران، ابراز داشته **است**. او حتی در سخنرانی معروفش در ۱۰ ژوئن ۲۰۲۳ در کارولینای شمالی گفت: «هنگامی که من ریاست جمهوری را ترک کردم [آخر سال ۲۰۲۰ پایان دوره اول ریاست ترامپ]، ونزوئلا برای فروپاشی آماده بود. ما می توانستیم آنجا را بگیریم، می توانستیم همه نفتشان را داشته باشیم، آن نفت دم در ما بود. اما اکنون [2023] از ونزوئلا نفت می خریم و بدین سان دیکتاتور را بسیار ثروتمند می سازیم.»

ترامپ همچنین در سخنرانی اش در روز دوشنبه، ۶ آوریل ۲۰۲۶ به صراحت گفت: «اگر حق انتخاب داشتم، دوست داشتم چه کار کنم؟ نفت [ایران] را بردارم؛ چون آنجاست تا برداشته شود! متأسفانه مردم آمریکا دوست دارند ما به خانه برگردیم! اگر به من بود نفت را تصاحب می کردم، نفت را نگه می داشتم و کلی پول در می آوردیم! ... اما می خواهم مردم کشورمان را هم خوشحال کنم! ... ونزوئلا فوق العاده عمل کرده است، همین الان ۱۰۰ میلیون بشکه نفت در هوستون داریم، عالی است!»

پارلمان ونزوئلا معامله بزرگ نفتی با آمریکا را تصویب کرد

الخاندرو بتانکو Alejandro Betancourt رئیس هیئت مدیره NABEP (یک شرکت نفتی خصوصی) گفت: «ونزوئلا به وفور دارای منابع طبیعی، مردم زحمتکش و پتانسیل های دست نخورده است»، و افزود که این توافق به نفع «هم ونزولایی ها و هم آمریکایی ها» خواهد بود. طبق برگه اطلاعاتی کاخ سفید که روز دوشنبه ۳۱/ اوت ۲۰۲۶ منتشر شد، این قرارداد که انتقادهای تندرها و نیروهای اپوزیسیون در ونزوئلا را برانگیخته است - تأمین نفت خام با قیمت پایین را برای ایالات متحده تضمین می کند. این سند توسط مارکو روبيو، وزیر امور خارجه و پیت هگست، وزیر دفاع امضا شد. در برگه اطلاعاتی منتشر شده گفته شده: پرزیدنت دونالد جی. ترامپ توافق تاریخی نفت را برای تأمین تسلط انرژی آمریکا و پیشبرد بهبودی اقتصادی ونزوئلا اعلام می کند. (منبع: بلومبرگ ۱ سپتامبر ۲۰۲۶)

تأمین عرضه پایدار و کم هزینه نفت در نیمکره ما : «در بزرگترین معامله نفتی تاریخ جهان، پرزیدنت دونالد جی. ترامپ کنترل اکثریتی ایالات متحده بر بیش از ۶۵ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده نفت در ونزوئلا را به دست آورده است که ذخایر اثبات شده فعلی سرزمینی آمریکا را که حدود ۴۶ میلیارد بشکه است، به شدت گسترش می دهد. این معامله تسلط انرژی ما را برای قرن آینده تضمین می کند. همه این ها هیچ هزینه ای برای ایالات متحده نداشته است. این توافق که توسط مارکو روبيو، وزیر امور خارجه و پیت هگست، وزیر جنگ امضا شده، حقوق حاکمیتی قوی، مالکیت اقتصادی و برداشت تضمین شده با قیمت پایین را از یک قهرمان نفتی خصوصی جدید ونزوئلا به دولت آمریکا می دهد، که از نظر ذخایر دومین شرکت نفتی خصوصی بزرگ جهان خواهد بود:

در رابطه با این توافق، مقامات موقت ونزوئلا به North American Blue Energy Partners (NABEP)، یک شرکت نفتی خصوصی که دومین تولیدکننده بزرگ نفت خصوصی ونزوئلا و یک اپراتور تثبیت شده است، امتیازات ۱۰۰ ساله برای ۱۷ میدان نفتی با ذخایر اثبات شده حدود ۶۵ میلیارد بشکه اعطا کرده اند.

نایب NABEP بدون هیچ هزینه ای برای مالیات دهندگان آمریکایی، به دفتر سرمایه استراتژیک وزارت جنگ آمریکا ۳۵ درصد سهم مالکانه در شرکت مادر خود اعطا کرده است که بیانگر صدها میلیارد ارزش و سود سهام برای ایالات متحده است.

شرکت NABEP به وزارت امور خارجه آمریکا این حق را اعطا کرده است که با قیمت تمام شده تولید، ۲۰ درصد تضمین شده از برداشت تمام میدان های فعلی و آینده را که NABEP اداره خواهد کرد خریداری کند و عرضه پایدار نفت کم هزینه ای را تضمین می کند که می تواند پر کردن مجدد «ذخایر استراتژیک نفت (SPR) را که جو بایدن به پایین ترین حد تاریخی رسانده بود تسهیل کند و عرضه را برای مصارف نظامی و سایر مصارف حساس فراهم سازد.

شرکت NABEP همچنین به وزارت امور خارجه آمریکا حق اولویت در خرید ۸۰ درصد باقی‌مانده تولید خود را اعطا کرده است که منبع تضمین‌شده انرژی در نیمکره ما را در شرایط اضطراری فراهم می‌کند.

دولت آمریکا حق وتو - veto - در مورد انتصاب هر یک از اعضای هیئت مدیره دارد و اکثریت مدیران NABEP باید شهروند آمریکا باشند. شرکت NABEP دارای حسابرسان، وکلا و مشاوران معتبر آمریکایی خواهد بود و توافق دولت آمریکا با NABEP تحت قوانین آمریکا است و تابع صلاحیت دادگاه‌های آمریکا می‌باشد.

میلیون‌ها بشکه از تولید جدید ونزویلا از طریق پالایشگاه‌های آمریکا فرآوری شده و با دکل‌ها و زیرساخت‌های آمریکایی پمپاژ خواهد شد که از میلیاردها سرمایه‌گذاری در ایالات متحده و هزاران شغل در داخل حمایت می‌کند. [نفتی که در پالایشگاه‌های ایالات متحده که مخصوص این نفت سنگین و ویسکوز طراحی شده‌اند، فرآوری خواهد شد.]

برگه اطلاعاتی در ادامه به حرافی‌های معمول "مستعمره‌چی" ها در مورد پیشبرد بهبودی اقتصادی و بازسازی بخش نفت ونزویلا و اصلاحات در جهت رفاه مردم و گذار دموکراتیک پرداخته است.

«این خصوصی‌سازی و سرمایه‌گذاری سنت‌شکنانه در بخش انرژی ونزویلا، گامی کلیدی در طرح سه قسمتی دولت ترامپ شامل تثبیت، بازسازی و گذار "دمکراتیک" است. رشد تولید، بازده و سرمایه‌گذاری به رهبری بخش خصوصی در ونزویلا، یک پیش‌شرط کلیدی برای هدایت اصلاحات مداوم و گذار دموکراتیک پس از موفقیت باورنکردنی عملیات "عزم مطلق" Absolute Resolve است.»

شرکت NABEP طرحی جاه‌طلبانه برای توسعه سریع تولید از طریق سرمایه‌گذاری تا ۱۰۰ میلیارد دلار در زیرساخت‌های جدید نفتی در ونزویلا تدوین کرده است که به هدایت رشد اقتصادی، حمایت از هزاران شغل با درآمد بالا در ونزویلا و منجر شدن به ده‌ها میلیارد فعالیت اقتصادی گسترده‌تر کمک می‌کند.

امتیازات NABEP طبق قانون جدید هیدروکربن‌های ونزویلا است که با حمایت آمریکا تصویب شد و مدرن‌سازی، خصوصی‌سازی و توسعه تاریخی بخش نفت عقب‌مانده ونزویلا را فراهم می‌کند. تحت این چارچوب، با افزایش تولید، انتظار می‌رود NABEP مبلغ ۲۰۰ میلیارد دلار بابت حق امتیاز و مالیات در ۲۵ سال اول پرداخت کند که نشان‌دهنده درآمد حیاتی و حمایت مالی برای دولت‌های فعلی و آینده ونزویلا جهت تأمین مالی بازسازی و توسعه اجتماعی است. پس از سال‌ها عدم سرمایه‌گذاری و سوءمدیریت، اکثر میدان‌های نفتی ونزویلا تولید ندارند یا دچار کسر تولید شدید هستند. با سرمایه‌گذاری روی یک اپراتور خصوصی اثبات‌شده با سابقه افزایش تولید در کشور، که قادر خواهد بود سرمایه خصوصی آمریکایی را برای تأمین هزینه‌های سرمایه‌ای جذب کند، ونزویلا فرصتی تاریخی برای احیای بخش کلیدی خود، پیشبرد رشد تولید نفت و رشد اقتصاد خود دارد. مقررات قوی حاکمیتی و حسابرسی دولت آمریکا، همراه با اصلاحات بانکی، نظارت بر پرداخت‌ها و کنترل مالی دولت ترامپ، تضمین می‌کند که پرداخت‌های مالیاتی و حق امتیاز در جهت منافع مردم ونزویلا هزینه شود. ایالات متحده حامی آشتی بین مجمع ملی سال ۲۰۱۵ و مقامات موقت است - فرآیندی که قبلاً منجر به اصلاحات قابل توجهی در قوه قضائیه ونزویلا، آزادی صدها زندانی سیاسی و تلاش‌های تعاونی برای تأمین مالی بازسازی پس از زمین‌لرزه‌های ویرانگر ژوئن شده است. این فرآیند با جلسات اضافی در سپتامبر ادامه خواهد یافت.

تأکید مجدد بر دکترین مونرو و اخراج رقبای متخاصم خارجی از نیمکره ما- برگه اطلاعاتی کاخ سفید ادامه می دهد :

«اکثریت میدان های نفتی اضافی که قرار است توسط NABEP اداره شوند، قبلاً توسط شرکت های روسی و چینی یا توسط همدستان فاسد مادورو و چاوز کنترل یا اداره می شدند. این بازیگران مخرب خارجی منابع ونزوئلا را به نفع رقبای متخاصم آمریکا مانند کوبا، روسیه و چین غارت کردند و نتوانستند در زیرساخت ها یا توسعه ونزوئلا سرمایه گذاری کنند. پرزیدنت ترامپ دکترین مونرو را دوباره برقرار کرده است، «نفوذ مخرب خارجی» را از حیط خلوت ما پاک کرده و تضمین می کند که تسلط آمریکا در نیمکره ما هرگز دوباره زیر سؤال نرود. با همکاری با شرکای جدید و قدیمی، دولت پرزیدنت ترامپ در حال ایجاد زنجیره های تأمین جدید، قوی، استراتژیک و قابل دفاع در نیمکره ما است تا از احیای بخش های تولیدی و انرژی ما پس از سال ها افول جهانی گرای حمایت کند.» (پایان نقل قول از برگه اطلاعاتی کاخ سفید)

مجمع ملی ونزوئلا، جایی که حکومت اکثریت مطلق را در اختیار دارد، روز سه شنبه ۱ سپتامبر، قرارداد «تاریخی» نفتی امضا شده با ایالات متحده را که کنترل ۱۷ میدان نفتی را به دست خواهد گرفت، به تصویب رساند. منابع زیرزمینی ونزوئلا حاوی بزرگترین ذخایر نفت جهان (تخمین زده شده بیش از ۳۰۰ میلیارد بشکه) است، اما تولید آن بسیار محدود و حدود ۱/۲ میلیون بشکه در روز باقی مانده است. در اوج تاریخی خود، تولید این کشور به بیش از ۳ میلیون بشکه در روز می رسید. در ساعات پایانی شب، ارتش نیز که نقش پررنگی در این کشور ایفا می کند، متن را تأیید کرد: ژنرال گوستاوو گونزالس لویز، وزیر دفاع، طی یک سخنرانی تلویزیونی گفت: «ما همراهی می کنیم، تأیید می کنیم و با تمام مفاد توافق استراتژیک اخیر موافق هستیم (...). در یک کلام می گویم، این توافق یعنی رفاه و آسایش برای کشور و همچنین برای ما.»

اما کریس رایت وزیر انرژی ایالات متحده در این مورد صراحت بیشتری داشت آقای رایت روز سه شنبه گفته بود که این توافق «قبل از هر چیز برای تقویت حاکمیت ملی ایالات متحده» طراحی شده است، در حالی که اطمینان داد مسئله «قرار دادن ونزوئلا در مسیر موفقیت بلندمدت» نیز مطرح است. او اذعان کرد که این قرارداد همچنین اجازه می دهد تا از قدرت های بزرگ رقیب ایالات متحده پیشی گرفته شود.

این مقام آمریکایی توضیح داد: «این توافق یک فرصت ژئوپلیتیک برای محافظت از میدان هایی است که عمدتاً تحت نفوذ شرکت های چینی و روسی قرار داشتند.» - (لوموند ۱ سپتامبر ۲۰۲۶)

طبق اطلاعات ارائه شده توسط کاخ سفید، این قرارداد شامل تصاحب ۳۵ درصد از سهام شرکت North American Blue Energy Partners است؛ دومین شرکت بزرگ نفتی خصوصی ونزوئلا که متعلق به الخاندرو بتانکور، بازرگان ونزوئلایی است.

۲ سپتامبر ۲۰۲۶ / مجله جنگ طولانی (FDD) ساموئل بن-اور، تحلیلگر پژوهشی- نیز به انتشار و تحلیل این قرار داد پرداخته و علاوه بر تأیید مطالب فوق می نویسد: شرکت خصوصی «NABEP» (تحت کنترل الخاندرو بتانکور) امتیاز ۱۰۰ ساله ای برای بهره برداری از ۱۷ میدان نفتی (حاوی بیش از ۶۵ میلیارد بشکه ذخایر) دریافت کرده و کنترل عملیاتی را بر عهده دارد تا ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری جذب کند. واشنگتن مالک مستقیم نفت نیست، اما «دفتر سرمایه استراتژیک وزارت جنگ آمریکا» ۳۵٪ از سهام شرکت مادر NABEP را در اختیار می گیرد، حق وتو بر انتصابات

هیئت مدیره خواهد داشت و اکثریت مدیران باید آمریکایی باشند. همچنین وزارت خارجه آمریکا حق خرید ۲۰٪ از تولید به قیمت تمام‌شده را دارد.

مواضع متفاوت ونزوئلا: دلسی رودریگز (رئیس‌جمهور موقت ونزوئلا) تأکید کرده که حاکمیت نفت حفظ شده، توافق ۲۵ ساله است (نه ۱۰۰ ساله)، فاز اول می‌تواند ۲۰۹ میلیارد دلار برای ونزوئلا درآمد داشته باشد (حدود ۱۹ دلار برای هر بشکه) و تولید به بیش از ۱/۵ میلیون بشکه در روز خواهد رسید.

این توافق متعاقب عملیات ۳ ژانویه آمریکا و دستگیری نیکلاس مادورو شکل گرفت. پیش از این، تولید نفت ونزوئلا به دلیل سوءمدیریت و تحریم‌ها از بالای ۳ میلیون بشکه در روز در دهه ۱۹۹۰ به ۶۴۰ هزار بشکه در ۲۰۲۱ افت کرده بود (اگرچه در ۲۰۲۵ به ۱/۱ میلیون بشکه بازگشت). کل ذخایر اثبات‌شده ونزوئلا طبق گزارش اوپک ۳۰۴ میلیارد بشکه است و سازمان زمین‌شناسی آمریکا (USGS) حجم نفت سنگین کمر بند اورینوکو را تا ۵۱۳ میلیارد بشکه قابل بازیافت تخمین می‌زند.

واکنش شرکت‌ها و بازار: شرکت‌های آمریکایی: شرکت‌های نفتی آمریکایی واکنش متفاوتی به این توافق نشان داده‌اند. شرکت شورون (Chevron) بزرگ‌ترین تعهد را ایجاد کرده و در ۲ سپتامبر اعلام کرد که سرمایه‌گذاری‌های مشترک آن در ونزوئلا قصد دارند بیش از ۷ میلیارد دلار در پنج سال آینده سرمایه‌گذاری کنند و تولید را به حدود ۶۰۰,۰۰۰ بشکه در روز برسانند. مایک ورث، مدیرعامل شورون گفت که این شرکت انتظار دارد هزینه‌های تولید از عملیات گسترش‌یافته خود در ونزوئلا کمتر از ۲۰ دلار به ازای هر بشکه باشد. [همان 19 دلاری که قرار است به ونزوئلا داده شود یعنی قیمت هزینه تولید!]

اکسون‌موبیل (ExxonMobil) بسیار محتاط‌تر بوده است. دارن وودز، مدیرعامل شرکت، در دیدار ماه ژانویه در کاخ سفید به ترامپ گفت که ونزوئلا در حال حاضر «غیرقابل سرمایه‌گذاری» است و به لزوم حمایت‌های قانونی و تجاری قوی‌تر اشاره کرد. اکسون متعاقباً نمایندگانی را برای ارزیابی پروژه ارسال کرد اما سرمایه‌گذاری قابل مقایسه‌ای با شورون اعلام نکرده است. کونوکو فیلیپس (ConocoPhillips) نیز که دارایی‌هایش در ونزوئلا در زمان هوگو چاوز ملی شد، به همین ترتیب بر اهمیت حاکمیت قانون و ثبات قراردادی تأکید کرده است.

توافق با NABEP باعث نگرانی برخی دیگر از تولیدکنندگان نیز شده است. رویترز گزارش داد که مدیران و مشاوران نفتی این سؤال را مطرح کرده‌اند که آیا شرکت‌ها شرایط برابری برای رقابت در برابر اپراتوری دارند که توسط یک سهامدار دولتی آمریکایی پشتیبانی می‌شود، از امتیازات درازمدت [صدساله] برخوردار است و حقوق خرید تضمین‌شده دولتی دارد یا خیر؟

این آرایش بعید است که باعث کاهش فوری و فوق‌العاده قیمت بنزین در آمریکا شود. تولید جدید ونزوئلا نیازمند چاه‌ها، لوله‌ها، مخازن، ژنراتورهای برق، ارتقادهنده‌ها، بنادر و سایر زیرساخت‌هایی است که طی سال‌ها عدم سرمایه‌گذاری، فساد و سوءمدیریت فرسوده شده‌اند. با این حال، افزایش مداوم بشکه‌ها در روز، عرضه را به بازار جهانی اضافه می‌کند و می‌تواند فشار نزولی بر قیمت نفت خام وارد کند.

اهمیت پتانسیل آن در طول درگیری‌های جاری ایالات متحده با ایران که باعث اختلال در عرضه نفتی خاورمیانه شده، افزایش یافته است. آژانس بین‌المللی انرژی در اوت برآورد کرد که تولید جهانی نفت در سال ۲۰۲۶ به طور متوسط حدود ۴/۳ میلیون بشکه در روز کاهش می‌یابد. گسترش یک منبع بزرگ نفت خام در نیمکره غربی، به پالایشگاه‌های آمریکا محموله‌های اضافی می‌دهد که از نقاط گلوگاهی دریایی آسیب‌پذیر خاورمیانه عبور نمی‌کنند.

این توافق همچنین می‌تواند روابط ونزوئلا با اوپک را بازسازی کند. ونزوئلا یکی از پنج عضو بنیان‌گذار اوپک در سال ۱۹۶۰ بود، اما گزارش شده است که مقامات ونزوئلایی در حال بررسی خروج از این کارتل هستند و در این باره با مقامات آمریکایی گفتگو کرده‌اند. هیچ تصمیمی اعلام نشده است. وقتی در ۳۱ اوت از ترامپ درباره این گزارش‌ها سوال شد، گفت: «به خودشان مربوط است.»

برای واشنگتن، این توافق دولت آمریکا را مستقیماً به یکی از بزرگترین منابع نفتی جهان پیوند می‌دهد، دسترسی ترجیحی به تولید آینده ونزوئلا فراهم می‌کند و تغییر جهت صنعت نفتی را سرعت می‌بخشد که در زمان مادورو به طور فزاینده‌ای به چین، روسیه و ایران وابسته شده بود.

تأثیرات اقتصادی و ژئوپلیتیک:

قیمت بنزین و بازار: به دلیل فرسودگی شدید زیرساخت‌ها، این توافق کاهش فوری در قیمت بنزین آمریکا ایجاد نمی‌کند، اما در بلندمدت فشار نزولی بر قیمت نفت وارد خواهد کرد.

امنیت انرژی: در شرایط درگیری آمریکا با ایران و اختلال در خاورمیانه (با افت ۴/۳ میلیون بشکه‌ای تولید جهانی)، این منبع غربی، محموله‌های ایمن و بدون نیاز به عبور از تنگه‌های خطرناک خاورمیانه را برای پالایشگاه‌های ساحل خلیج فارس تأمین می‌کند.

روابط بین‌الملل: ونزوئلا در حال بررسی خروج از اوپک است. این قرارداد وابستگی نفتی کاراکاس به چین، روسیه و ایران را قطع کرده و دولت آمریکا را مستقیماً به یکی از بزرگترین منابع انرژی جهان متصل می‌سازد.

طبق این انتشار خبری، جریان‌های بالقوه نفت خام به ایالات متحده که متکی بر جهش مورد انتظار در تولید ونزوئلا است، برای پر کردن مجدد «ذخایر استراتژیک نفت» استفاده خواهد شد. این امر همچنین باعث رونق کسب‌وکار پالایشگاه‌های آمریکا و سازندگان تجهیزات میدان‌های نفتی می‌شود. «ما در حال حاضر در مرحله‌ای از رقابت‌های تشدید شده امپریالیستی قرار داریم: ظهور چین به عنوان مرکز ثقل اقتصاد جهانی، آرایش ژئوپلیتیک امپریالیستی را بازتعریف کرده است. به همین دلیل، استراتژی‌های امپریالیستی فعلی ایالات متحده در درجه اول حول محور کنترل نفوذ فزاینده جهانی چین می‌چرخد. چین طی ۴۰ سال گذشته به پویاترین منطقه‌ی جهان از نظر انباشت سرمایه تبدیل شده است [براساس مطالعات موجود (Hung 2009; McNally 2011; Friedman et al. 2024)] ، در سال‌های ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۶ سهم چین در ارزش افزوده تولیدات صنعتی جهان (Manufacturing Value Added) با رشدی مداوم به حدود ۳۱ درصد رسیده است. این در حالی است که ایالات متحده آمریکا نزدیک به ۱۷ درصد، آلمان حدود ۵ درصد، ژاپن حدود ۵ درصد و هند ۳ درصد از کل تولیدات صنعتی جهان را به خود اختصاص داده‌اند.] از سال ۲۰۰۱، چین

بزرگترین تولیدکننده فولاد در سطح بین‌المللی بوده است؛ این کشور با سرعتی خیره‌کننده شهرهای جدید ساخته و اکنون نقشی پیشرو در زمینه‌ی هوش مصنوعی یافته است. این رشد عظیم چین در دهه‌های اخیر باعث ایجاد یک به اصطلاح «ابرچرخه‌ی مواد خام» شد، زیرا رونق چین تقاضا برای نفت، گاز، مواد معدنی و سایر منابع طبیعی – و در نتیجه قیمت‌ها – را به شدت افزایش داده است. چین زنجیره‌های تأمین را از آمریکای لاتین تا آفریقا و خاورمیانه ایجاد کرد و در صنایع مرتبط با مواد خام سرمایه‌گذاری کرد تا دسترسی‌اش به منابع حیاتی را تضمین کند. در این میان، «ابتکار کمربند و جاده (BRI)» از اهمیت محوری برخوردار است، پروژه‌ای که از طریق آن پکن ۱.۴ تریلیون دلار در پروژه‌های بزرگ، به‌ویژه در بخش‌های انرژی و معدن سرمایه‌گذاری کرده است. چین به‌واسطه‌ی عقد هزاران توافقنامه با ۱۵۰ کشور، همچنین به بزرگترین وام‌دهنده‌ی دوجانبه در جهان تبدیل شده است. افزون بر این، نکته‌ی تعیین‌کننده این است که دولت چین اکنون در کنار کنترل گسترده‌اش بر مواد معدنی مهمی مانند کبالت و نیکل، نقشی محوری در استخراج عناصر خاکی نادر را بر عهده دارد؛ عناصر کمیابی که برای بخش‌های نظامی و نیمه‌هادی‌ها اهمیت حیاتی دارند. بر اساس مطالعه‌ی آژانس بین‌المللی انرژی (۲۰۲۵)، چین امروزه بزرگترین تأمین‌کننده‌ی ۱۹ عنصر از ۲۰ ماده معدنی حیاتی مهم است. (Pilling/Hook 2026) از آنجایی که ایالات متحده در ایجاد زنجیره‌های تأمین جهانی و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم برای تضمین دسترسی به منابع مهم از چین عقب مانده است، دولت آمریکا بر قابلیت اصلی خود یعنی برتری نظامی تمرکز کرده است. در تهاجمات آمریکا به ونزوئلا و ایران هدف استراتژیک جهانی ایالات متحده، چین است تصادفی نیست که ترامپ اخیراً به دو کشور صادرکننده نفت که پیوندهای نزدیکی با چین دارند، یعنی ونزوئلا و ایران، حمله‌ی نظامی کرده است. ترامپ نه تنها زمین و منابع موجود در آن را بت‌واره (فتیش) می‌کند، بلکه سود سرمایه‌داری را نیز به سبک دریافت رانت و اجاره‌بها، سود تجاری و یا صرفاً باج و خراج تصور می‌کند. برخلاف برخی اظهارات متفاوت، ایالات متحده به هیچ وجه به نفت ونزوئلا یا خاورمیانه وابسته نیست. اما چین قطعاً هست. ونزوئلا چهارمین دریافت‌کننده‌ی بزرگ وام از چین است که حجم کل آن تا سال ۲۰۲۳ از مرز ۱۰۰ میلیارد دلار فراتر رفته بود. و این وام‌ها توسط نفت خام ونزوئلا تضمین شده بودند (و قرار بود با آن بازپرداخت شوند) – یعنی همان نفتی که ترامپ اکنون داعیه‌ی تصاحب آن را برای ایالات متحده دارد. (Wooley 2025) وقتی کاخ سفید اعلام می‌کند که «ایالات متحده دکتترین مونرو را تأیید و اجرا خواهد کرد تا برتری آمریکا در نیم‌کره‌ی غربی را بازیابی کند، از کشورمان محافظت نماید و دسترسی ما به مناطق جغرافیایی استراتژیک مهم در منطقه را تضمین کند.» (The White House 2025a, 15)، این تلاشی است برای عقب‌راندن وسیع جایگاه اقتصادی و سیاسی چین در کل منطقه. ایالات متحده در تلاش است دسترسی پکن به نفت و منابع معدنی را محدود کند. کاخ سفید مطمئناً به همین دلیل علاقه‌مند به انحصار دسترسی به ذخایر عظیم طلا، بوکسیت، کبالت و عناصر نادر خاکی در ونزوئلا است. در زمینه‌های دیگر نیز ونزوئلا به عقد قراردادهای و معاملات تجاری با شرکت‌های آمریکایی «تشویق» می‌شود. به طور مثال می‌توان از نقش آتی شرکت عظیم جنرال الکتریک در زمینه تأسیسات و تجهیزات برقی ونزوئلا نام برد.

واشینگتن تلاش می‌کند امکان اعمال نفوذ خود را بر چین افزایش دهد تا مانع از تبدیل شدن آن به قدرت مسلط جهانی شود. در مورد خاورمیانه، آدام هانیه – استاد مطالعات توسعه در انگلستان- (۲۰۲۴) این انگیزه‌ی پشت استراتژی امپریالیستی ایالات متحده را به شکلی تأثیرگذار توصیف کرده است. در اینجا نیز ایالات متحده وابسته به نفت منطقه نیست. در مقابل، چین وابسته است. حدود ۴۴ درصد از کل واردات نفت چین از آنجا تأمین می‌شود. روزانه تقریباً ۱.۴ میلیون بشکه از ایران ارسال می‌گردد. بنابراین، حضور مسلط واشینگتن در خاورمیانه و تضعیف ایران، هشدارهای آشکاری به سمت یک

رقیب ترسناک است که این پیام را مخابره می‌کند: کاخ سفید می‌تواند هر زمان که بخواهد، تأمین انرژی چین را به شدت مختل کند.» (جنگ‌های ترامپ بر سر مواد خام دیوید مک‌نالی- کارگاه دیالکتیک- حملات ایالات متحده به ایران و ونزوئلا در واقع چین را هدف قرار داده است.) سال‌های سال فشار بر مادورو و حمایت از چهره‌هایی مثل **خوان گوایدو و ماریا ماکادو** بر این فرض استوار بود که رژیم چاوایسم به سرعت فرو می‌پاشد. اولی را ۵۰ کشور به‌عنوان رئیس‌جمهور ونزوئلا به رسمیت شناختند، دومی را هم رهبر دوران گذار بعد از ربودن مادورو می‌دانستند و هر دو را بدیل‌هایی برای دفاع از حقوق بشر و دموکراسی در ونزوئلا اعلام می‌کردند. نفت را گرفتند، اپوزیسیون ونزوئلا را سکه‌ی یک پول کردند و حقوق بشر تمام شد اما واقعیت‌های اقتصادی (بویژه بعد از بحران انرژی از جنگ اوکراین و نوسانات بازار نفت) باعث شد واشینگتن به دنبال منابع جایگزین بگردد. ونزوئلا بزرگترین ذخایر اثبات شده نفت جهان را دارد و این برای هر دولتی در آمریکا، چه ترامپ و چه بایدن، یک «نقطه‌ی کور» استراتژیک بود. وقتی ترامپ از «همکاری با رئیس‌جمهور جدید» صحبت می‌کند، در واقع پیامی تلخ به اپوزیسیون می‌دهد: «**مهره‌ها تا زمانی ارزش دارند که پروژه‌ی تغییر رژیم به صرفه باشد.**» این الگویی **تکرار شونده در سیاست خارجی ایالات متحده** است. این وضعیت یادآور جمله‌ی معروف هنری کیسینجر است «**آمریکا متحد دائمی ندارد، تنها منافع دائمی دارد.**» در کردستان سوریه، در افغانستان و حالا در ونزوئلا، این الگو تکرار شده است: گروه‌های محلی به عنوان اهرم فشار استفاده می‌شوند، اما به محض اینکه توافقی بزرگتر (بر سر نفت، امنیت یا توازن ژئواستراتژیک) حاصل شود، این گروه‌ها در اولویت دوم قرار می‌گیرند. این پارادوکس که «برای دفاع از حقوق بشر تحریم می‌کنیم، اما برای نفت با ناقض حقوق بشر معامله می‌کنیم»، همان شکاف عمیقی است که منتقدان سیاست خارجی آمریکا همیشه به آن اشاره می‌کنند. در منطق ترامپ، آن‌ها ابزاری بودند برای رسیدن به نقطه‌ای که جریان نفت دوباره برقرار شود. حالا که قراردادهای بسته شده و نفت در حال حرکت به سمت پالایشگاه‌های آمریکاست، دیگر نیازی به تربیون دادن به رهبران جنبش‌های مدنی نیست. آن‌ها «ماموریت خود را انجام دادند» و حالا باید به حاشیه بروند تا تجارت بزرگ شروع شود. این اتفاق یک الگوی کلاسیک در سیاست خارجی آمریکا را تایید کرد. **تعهدات اخلاقی، تاریخ انقضا دارند.** حمایت از حقوق بشر تا زمانی جذاب است که مانع یک قرارداد ۸۰ میلیون بشکه‌ای نشود. ترامپ کسی را «دوست و شریک» می‌نامد که شیرهای نفت را در دست دارد، نه کسی که در خیابان شعار دموکراسی می‌دهد.

«نخستین واکنش‌های منفی به اعلام توافق نفتی با دو انتقاد همیشگی درباره روابط دولت‌های ترامپ و دلسی رودریگز ارتباط دارند: فقدان شفافیت و از دست رفتن حاکمیت ونزوئلا، بارزترین نمونه این است که دولت ترامپ از ماه ژانویه کنترل فروش نفت ونزوئلا و نحوه استفاده از درآمدهای حاصل از آن را در اختیار گرفته است، اما مردم ونزوئلا تاکنون نمی‌دانند چه مقدار نفت فروخته شده، چه میزان پول به دست آمده و این منابع چگونه مصرف می‌شوند. توافق نفتی نیز بدون هیچ گونه بحث عمومی قبلی میان مردم ونزوئلا یا حتی در مجلس ملی اعلام شد. مردم کاملاً بی‌اطلاع بودند و تنها نشانه‌های قبلی از آنچه در راه بود، از گزارش‌های مبتنی بر اطلاعات درز کرده‌ای به دست آمد که چند روز پیش‌تر در رسانه‌های آمریکایی منتشر شدند. **نفت طی یک قرن شریان حیاتی اقتصاد ونزوئلا بوده و حتی به بخشی از هویت شهروندان این کشور تبدیل شده است.** بنابر این عجیب نیست که اعلام ترامپ مبنی بر دستیابی آمریکا به «کنترل اکثریت» میدان‌هایی که حدود ۲۰ درصد ذخایر نفت ونزوئلا را دربر می‌گیرند، جنجال ایجاد کند. در ونزوئلا، این دیدگاه که منابع زیرزمینی متعلق به دولت‌اند، سابقه‌ای چند صد ساله دارد. با توجه به نقشی که نفت در کشور ایفا کرده است، مردم عموماً این منبع را متعلق به خود می‌دانند.» (آنخل برمودز – بی‌بی‌سی فارسی 5 سپتامبر 2026-)

خلاصه کنیم :

- سهم تولید ایالات متحده (۵۵٪): آمریکا مالکیت ۵۵ درصد از کل تولید فعلی و آتی این پروژه‌ها را از طریق حق مالکیت و خرید نفت به قیمت تمام‌شده (At Cost) در اختیار دارد تا از آن برای پر کردن ذخایر استراتژیک نفت خود (SPR) و مصارف نظامی استفاده کند.
- سهم شرکت مشترک جدید: یک شرکت خصوصی تسلط بر عملیات میدان‌ها را برعهده گرفته است (از جمله ورود مجموعه North American Blue Energy Partners با سهم ۳۵ درصدی دولت آمریکا).
- میزان تولید هدف: هدف‌گذاری شده است که تولید این ۱۷ میدان استراتژیک به ۱.۵ میلیون بشکه در روز برسد.

حجم ذخایر و میدان‌های نفتی واگذارشده

- ۶۵ میلیارد بشکه ذخایر: این توافق کنترل حدود ۱۷ میدان نفتی کلیدی در ونزویلا با ذخایر اثبات‌شده ۶۵ میلیارد بشکه نفت (نزدیک به یک‌پنجم کل ذخایر ونزویلا) را به طرف آمریکایی واگذار می‌کند.
- تحویل میدان‌های سابق چین: ۵ میدان نفتی که پیش‌تر در اختیار پروژه‌های مشترک با شرکت‌های چینی بود، تحت این توافق جدید به اپراتورهای آمریکایی منتقل می‌شود.

ابعاد مالی و سرمایه‌گذاری

- سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیارد دلاری: پیش‌بینی شده که ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه برای بازسازی زیرساخت‌های فرسوده صنعت نفت ونزویلا وارد این کشور شود.
- درآمد مالیاتی ونزویلا: بر اساس اظهارات دلسی رودریگز، انتظار می‌رود این پروژه بیش از ۲۰۹ میلیارد دلار درآمد مالیاتی و عوارض برای دولت کاراکاس در طول زمان ایجاد کند.
- نتایج نئو استعماری این قرار داد
- قرارداد اخیر میان دولت ترامپ و حکومت موقت دلسی رودریگز، دقیق‌ترین مصداق نواستعمار در قرن بیست و یکم است. در این ساختار، نفوذ استعماری دیگر از طریق «حضور مستقیم ارتش یا اشغال فیزیکی» اعمال نمی‌شود، بلکه از طریق کنترل کامل منابع کلیدی، ایجاد وابستگی مطلق اقتصادی، و سلب حاکمیت ملی ساختاردهی شده است.

نتایج و پیامدهای نئو استعماری این قرارداد را می‌توان در چند محور اصلی دسته‌بندی کرد:

۱. حراج حاکمیت بر منابع ملی (امتیاز ۱۰۰ ساله)

- سلب مالکیت نسل‌های آینده: اعطای امتیاز ۱۰۰ ساله به شرکت‌های آمریکایی برای کنترل ۶۵ میلیارد بشکه ذخایر نفتی، عملاً اختیار ثروت حیاتی ونزویلا را برای بیش از سه نسل از ملت این کشور سلب می‌کند. [نمونه قرارداد 99 ساله داری با ایران برای ما ایرانیان خاطره تلخی را یادآوری می‌کند.]

- بی‌اعتبار ساختن اصل حاکمیت بر منابع: قانون اساسی ونزوئلا و قوانین بین‌المللی بر مالکیت ملی بر زیرزمین و منابع طبیعی تأکید دارند؛ اما مالکیت و مدیریت عملیاتی مستقیم ۵۵ درصد از تولید توسط طرف آمریکایی، این اصول را به کاغذپاره تبدیل کرده است.

۲. ساختار اقتصادی «غارت‌محور» و عدم توسعه‌یافتگی

- تثبیت الگوهای استعماری استخراج: نفت خام به قیمت تمام‌شده (At Cost) برای پر کردن ذخایر استراتژیک و مصارف نظامی آمریکا صادر می‌شود. این فرآیند ونزوئلا را صرفاً به یک «تأمین‌کننده ماده خام ارزان» تبدیل می‌کند بدون اینکه ارزش افزوده یا صنایع بالادستی و پایین‌دستی در داخل کشور ایجاد شود.
- ایجاد وابستگی ساختاری به واردات: تمام درآمد حاصل از مالیات‌ها و عوارض دولتی ونزوئلا ناچاراً باید صرف خرید کالا، تجهیزات و خدمات از فناوری‌های آمریکایی شود؛ امری که چرخه درآمدهای نفتی را مجدداً به اقتصاد آمریکا بازمی‌گرداند.

۳. حاکمیت «رژیم کمپرادوری» (Comprador Regime)

- مشروعیت از خارج، نه از داخل: حکومت دست‌نشانده برای بقای سیاسی خود کاملاً به حمایت و به رسمیت شناخته‌شدن از سوی واشنگتن وابسته است. این وضعیت، دولت مرکزی در کاراکاس را به یک «دولت واسطه یا خریدار» (Comprador) تبدیل می‌کند که اولویت اول آن نه منافع مردم ونزوئلا، بلکه تضمین امنیت سرمایه‌گذاری شرکت‌های آمریکایی است.
- سرکوب هرگونه مخالفت ملی‌گرایانه: هرگونه اعتراض مردمی، کارگری یا جنبش‌های سیاسی داخلی علیه این قرارداد، از سوی واشنگتن و کاراکاس به عنوان «تهدید علیه امنیت ملی و سرمایه‌گذاری استراتژیک» قلمداد و سرکوب می‌شود.

۴. حذف کامل رقبای بین‌المللی و تبدیل کشور به حوزه نفوذ انحصاری

- اخراج قدرتهای رقیب: خروج اجباری و مصادره سهم شرکت‌های چینی و روسی از ۵ میدان نفتی و واگذاری آن‌ها به اپراتورهای آمریکایی، بازگشت مستقیم به «دکترین مونرو» (Monroe Doctrine) است که آمریکای لاتین را حیطه خلوت اختصاصی ایالات متحده می‌داند.
- تضعیف چندجانبه‌گرایی: ونزوئلا امکان مانور اقتصادی و دیپلماتیک با بلوک‌های قدرت دیگر (مانند بریکس یا اتحادهای منطقه‌ای) را به‌طور کامل از دست می‌دهد.



میدان‌های نفتی شورون در ونزوئلا. Source: RBN Energy

منابع استفاده‌شده برای تنظیم و نگارش این نوشته:

۱. متن سخنرانی دونالد ترامپ در تاریخ ۱۰ ژوئن ۲۰۲۳ در کارولینای شمالی. ویدیوی کامل این سخنرانی با لینک زیر قابل دسترسی است: <https://www.youtube.com/watch?v=cAZUuai3ytM>

متن مکتوب سخنرانی ۱۰ ژوئن ۲۰۲۳ ترامپ با پیوند زیر قابل دسترسی است:

<https://www.presidency.ucsb.edu/documents/remarks-the-north-carolina-republican-convention-greensboro>

۲. روزنامه لوموند، ۱ سپتامبر ۲۰۲۶، مجمع ملی (پارلمان) ونزوئلا توافق نفتی با ایالات متحده را تصویب کرد

۳. روزنامه لوموند، ۱۰ اوت ۲۰۲۶ رونق مجدد فعالیت‌های نفتی تحت کنترل «استعماری نوین» ایالات متحده در ونزوئلا: «عدم شفافیت مطلق»

۴. ساموئل بن اور، کاخ سفید و کاراکاس جزئیات توافق تاریخی نفتی آمریکا و ونزوئلا را منتشر کردند، ۲ سپتامبر ۲۰۲۶، نشریه Long War Journal وابسته به بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD)

۵. شبکه خبری بلومبرگ، همزمان با شکل‌گیری توافق نفتی آمریکا و ونزوئلا؛ نکات کلیدی این توافق چیست؟ ۱ سپتامبر ۲۰۲۶، باز نشر در Energy Connects

۶. گزارش‌های اطلاعاتی کاخ سفید (گزاره برگ Fact Sheet)، رئیس‌جمهور دونالد جی. ترامپ توافق تاریخی نفتی را برای تضمین تسلط انرژی آمریکا و هدایت بازسازی اقتصادی ونزوئلا اعلام کرد، ۳۱ اوت ۲۰۲۶

۷. خبرگزاری گازاینفورم (Qazinform)، ۲ سپتامبر ۲۰۲۶، پارلمان ونزوئلا توافق بزرگ نفتی با ایالات متحده را تصویب کرد

۸. آنخل برمودز، بزرگترین توافق نفتی تاریخ، میان آمریکا و ونزوئلا چیست و چرا جنجال‌برانگیز شد؟ بی‌بی‌سی فارسی ۵ سپتامبر ۲۰۲۶

www.aazarakhsh.net

azarakhshi@gmail.com